

جهان اهانا نسوسی و بازی
که بر کس نپایی و باکس نسازی
در سوگ استاد تفضلی

پیش‌نها دی درباره قرائت دو واژه فارسی میانه، در دینکرد هفتم

محمد حسن دوست

۱. ۳۴۶۰

دینکرد، یکی از کتاب‌هایی است که به زبان فارسی میانه، نوشته شده و در بردارنده مطالب گوناگون دینی است. تاریخ تدوین نهایی آن در قرن‌های نخستین هجرت، و به احتمال زیاد قرن سوم هجری است. دینکرد در اصل گه کتاب را شامل می‌شده است. غیر از کتاب اول و دوم و بخشی از کتاب سوم که از میان رفته‌اند، بقیه قسمت‌های آن، اکنون در دست است. هر یک از کتب دینکرد، درباره موضوعی خاص تألیف شده است. کتاب هفتم آن، عموماً راجع به سرگذشت زندگانی زردشت است.^۱ فصل سوم از کتاب هفتم دینکرد، درباره معجزه‌هایی است که پس از زایش زردشت تا ابلاغ رسالتش از سوی اهورامزدا، رخ داد. یکی از این معجزه‌ها، رهایی زردشت از آتش بود. داستان این معجزه، در بند ۹ و بخش نخست بند ۱۰ آمده است.^۲ پس از این معجزه، معجزه‌های دیگری نیز روی داد و آنها عبارت بودند از: رهایی زردشت از لگدمال شدن زیر پای

۱) آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران، ۱۳۷۳، ش، ص ۱۸-۱۹.

2) MADAN, D.M. (ed). *Dinkart (Dēnkard)*, Bombay, 1911. P. 615.

گاوان (بند ۱۱ و بخش نخست بند ۱۲)^{۳)} رهایی زردشت از لگدمال شدن زیر پای اسبان (بند ۱۳ و بخش نخست بند ۱۴)^{۴)} رهایی زردشت از آسیب گرگ‌ها (بند ۱۵ و ۱۶)^{۵)}. پس از روی دادن معجزه نخست، رهایی زردشت از آتش، داستان (شنافتن مادر زردشت به سوی او، برای نجاتش) در بخش پایانی بند ۱۰، که عیناً در اینجا نقل می‌شود، چنین بازگو شده است. ذکر این نکته لازم است که قطعه زیر، با اختلافی ناچیز، پس از شرح معجزه‌های بعدی یاد شده، در بندۀای ۱۲، ۱۴، ۱۸-۱۹^{۶)} نیز تکرار شده است:

راست ص ۶۹۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹ کو ۳ د

راست ص ۶۹۰، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷ کو

راست ص ۶۲۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹ کو

راست ص ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶ کو د ص ۱۴۳، ۱۴۴

آوانویسی:
پیمان بعل عالم انسانی ۴ طالعات فرهنگی
که می را ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹ آوانویسی

be tazl̥d pad ðš ān mād 1
pus kāmag . . ud frāz ð ðy
mad⁺ **hangōmand** u-š stad
u-š ān be dād pad ān 1
dašn dast abar pad ðstag . .

ترجمه:

<و> آن مادر که فرزند خود را دوست داشت،

3) ibid, pp. 615-6.

4) ibid, p. 616.

5) ibid, pp. 616-7.

6) ibid, p. 615.

در سپیدهدم بناخت و مصمم به نزد فرزند آمد و
او را برگرفت و با دست راست او را در جای امنی نهاد.^۷

واژه مورد نظر، **هُنگَهُونْد**^۸ را «نیبرگ»، *d^{wmn'd}*^۹ حرف نویسی کرده، *hangōmand*^{۱۰} خوانده و با تردید «تصمّم» معنی کرده است. به عقیده وی، واژه *hangōmand*^{۱۱} را می‌توان با واژه فارسی نو «هنگ» به معنی: «آرزو»، «خواست»، «قصد»، مقایسه کرد.^{۱۲} نظر وی را، همان‌گونه که از ترجمه فوق برمی‌آید، خانم دکتر آموزگار و آقای دکتر تفضلی نیز پذیرفته‌اند.

«موله» همین واژه، **هُنگَهُونْد**^{۱۳}، را *ušōmand*^{۱۴} خوانده و «هوشمندانه» معنی کرده است.^{۱۵} از این رو می‌توان دریافت که وی واژه مورد نظر را به **هُنگَهُونْد**^{۱۶} تصحیح کرده است.

پیش از اظهار پیشنهاد درباره قرائت این واژه، توجه خوانندگان را به منظومه زراشت نامه بهرام پژو در جلب می‌کنم. بهرام پژو در سرودن منظومه خود، از منبعی که به احتمال زیاد به زبان فارسی میانه بوده، استفاده کرده است.^{۱۷} در این منظومه، از معجزات بسیاری، که پس از زایش زردشت به وقوع پیوسته، سخن به میان آمده است. چهار معجزه از آن معجزات که مرتبط با بحث ماست، در اینجا به اختصار یاد می‌شود:

۱. سومین معجزه‌ای که پس از زایش زردشت به وقوع پیوست رستن او از آتش بود. بهرام پژو از بیت ۲۲۰ تا بیت ۲۳۴، که مطابق با بندهای ۹ و ۱۰ فصل سوم از کتاب هفتم دینکرد است، این معجزه را به شعر درآورده است. او شتافتن مادر زردشت را برای نجات وی در ایات ۲۲۹ و ۲۳۰ چنین بیان کرده است:

... چو آگاه شد مادر زرداشت ز غم خویشن را بخواهست گشت

چو دیوانه آمد به صحراء دوان بدانجا که بُد آتش جادوان...

۲. چهارمین معجزه‌ای که پس از زایش زردشت به وقوع پیوست، رستن او از لگدمال

(۷) آموزگار، زاله و تفضلی، احمد، اسطورة زندگی زردشت، تهران، ۱۳۷۲ ش، ص ۷۵.

8) Nyberg, H.s, *A Manual of Pahlavi*, Wiesbaden, 1974, Part II: Glossary, p. 96.

9) Molé, M., *La Legende de zoroastre*, Paris, 1967, pp. 30, 171.

(۱۰) زراشت نامه، به کوشش محمد دبیرسیاپی، تهران، ۱۳۳۸ ش، ص ۵۵، مقدمه.

شدن، زیر پای گاوان بود. بهرام پژدو از بیت ۲۳۸ تا بیت ۲۵۸، که متنطبق با بندهای ۱۱ و ۱۲ فصل سوم از کتاب هفتم دینکرد است، این معجزه را به شعر درآورده است. او شتافتن مادر زرده است را برای نجات وی در ایيات ۲۵۵ و ۲۵۶ چنین بیان کرده است:

... خروشان شده مادر مهربان همی جُست فرزند خود را نشان
چو آگه شد از کار گاوan و راه بسیامد دونان تا بدان جایگاه...

۳. پنجمین معجزه‌ای که پس از زایش زرده است به وقوع پیوست رَستن او از لگدمال شدن زیر پای اسبان بود. بهرام پژدو از بیت ۲۶۱ تا بیت ۲۷۷، که متنطبق با بندهای ۱۳ و ۱۴ فصل سوم از کتاب هفتم دینکرد است، این معجزه را به شعر درآورده است. او شتافتن مادر زرده است را برای نجات وی در ایيات ۲۷۴ و ۲۷۵ چنین بیان کرده است:

... دگر باره چون مادر آگاه شد به گیتی چو دیوانه گمراه شد
بیامد به نزدیک فرزند خویش دلش گشته از رنج و نیمار ریش ...

۴. ششمین معجزه‌ای که پس از زایش زرده است به وقوع پیوست، رَستن او از آسیب گرگ‌ها بود. بهرام پژدو از بیت ۲۸۲ تا بیت ۲۹۹، که متنطبق با بندهای ۱۵ و ۱۶ فصل سوم از کتاب هفتم دینکرد است، این معجزه را به شعر درآورده است. او شتافتن مادر زرده است را برای نجات وی در ایيات ۳۱۳ و ۳۱۴ چنین بیان کرده است:

... شده مادر از درد فرزند زار دونان گشت بر دشت و بزکوهسار
خروشان و جوشان به هر جایگاه همی جُست نزدیک فرزند راه ...

اگر فرض را بر آن نهیم که شرح این چهار معجزه، در متن فارسی میانه‌ای که احتمالاً بهرام پژدو در سرودن زراتشت نامه خود از آن سود جسته، با بندهای مذکور (از بند ۹ تا بند ۱۶) در فصل سوم از کتاب هفتم دینکرد یکسان باشد - فرضی که چندان هم دور از ذهن نیست - می‌توانیم نتیجه بگیریم که در ایيات یاد شده، واژه‌ای که می‌توانست ترجمه لغت فارسی میانه ^{۳۶۳}_{hangōmand} (hangōmand ⁺ مصنّم) یا ^{۳۶۴}_{ušōmand} (ušōmand ⁺ هوشمندانه) باشد، آورده نشده است.

با توجه به این مطلب و نیز سیاق کلام - به آتش افکنندن زرده است خردسال و موارد نظیر آن و شتافتن مادر به سوی او برای نجاتش و، با در نظر گرفتن حالات روحی هر مادری در چنین موقعیتی - نگارنده پیشنهاد می‌کند واژه ^{۳۶۴}_{ušōmand} به ^{۳۶۳}_{hangōmand} /

اگر این تصحیح پذیرفته شود، می‌توان حدس زد که ترجمهٔ فارسی واژهٔ ^{۱۳۱۶۳۶} در ایات مذکور از ذراشت نامه بهرام پژدو، در مورد اول، واژه «دیوانه»، در مورد دوم، واژه «خروشان» در مورد سوم بار دیگر واژه «دیوانه» و در مورد چهارم عبارت «خروشان و جوشان» می‌تواند باشد.

درست است که تصحیح فوق، تنها بر اساس یک فرض نهاده شده است؛ اما باید همواره مسئلهٔ تحریف، کتابتِ ناقص و افتادگی‌های حروف را در نوشته‌های فارسی میانه در نظر داشت. نویسهٔ ۱^(۱) که در تصحیح واژهٔ ^{۱۳۱۶۳۶} به ابتدای این واژه افزوده شده است. مخصوصاً از حروفی است که در متون فارسی میانه جایگاهی بسیار سُست و متزلزل دارد.

این نکته را نیز باید در مورد پسوند *-mand* = *-mant* = ^۱ ایرانی (استان) یادآور شد که این پسوند اغلب به همراه اسم معنی به کار می‌رود و از آن صفتی می‌سازد با مفهوم ثبات و پایداری. مانند: «هوش‌مند» (کسی که هوش و خرد، همواره با اوست)؛ ^۲ دانش‌مند (کسی که دانش و علم، همواره با اوست). در حالی که در صفت ^۳ *wāngōmand* (بانگ‌مند) ظاهراً این ثبات و پایداری به چشم نمی‌خورد.^(۱) در توضیح باید گفت که اولاً در کتاب دینکرد ترکیبات و اصطلاحات بسیاری دیده می‌شود که فقط منحصر به همین کتاب است و در کتب دیگر فارسی میانه تاکنون دیده نشده است. از این رو، ساخت چنین صفتی (با مفهومی غیر ثابت) در این کتاب نباید غیر منطقی به نظر آید. ثانیاً، واژهٔ موردنظر را می‌توان با واژهٔ فارسی «گریه‌مند»^(۲) سنجید. در این صفت نیز مفهوم ثبات و پایداری دیده نمی‌شود، زیرا «گریه‌مند» کسی نیست که گریه و زاری، همواره با او باشد بلکه گریه و زاری با دلیل و علتی، دفعتاً و به طور مؤقت پدید آمده است. با توجه به مجموع مطالب یاد شده، شاید تصحیح فوق چندان غیر منطقی نباشد.

۱۳۹۵

این واژه در کتاب هفتم دینکرد، فصل چهارم، بند ۸۳ آمده است. بند ۸۳ عیناً در اینجا نقل می‌شود:

سہی کو - (ص) اعلیٰ مکتب - و

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَوَّلُونَ

۲۳۰ - ۱۳۷۰ هجری قمری سلطان علی بن ابی طالب

۱۱۵) ملتمسیں کیسے ہے ملتمسیں

۱۳۷۰ - ۱۳۶۹ - ۱۳۶۸ - ۱۳۶۷

۱- سیلیکات کسیده (۱۲۰) ۶- سیلیکات کسیده (۱۴۰)

۱۴۰. مکالمہ و مسلوک

آنویس

ēk ān i abāg wābarthistan 1 andar Wištāsp dēn pad-iz ān rasišn i gōwišn i amahraspandān pas-iz padisāy handešišn 1-8 az ⁺sar-xwadāyān pad xōn rezišn 1 az ⁺Arijāsp i xiyoñ ud passirišn 1-8 tar ham ⁺wihān az dēn padlruftkārīh.

ترجمه

(یکی (دیگر از معجزات این بود): با این‌که گشتناسب در بی رسمیدن گفته‌اند امشاسپندان بدرو، به دین گروید، با این‌همه، به سبب ترس از سرخ‌خدايان و خون‌ریزی ارجاسب خیونی، از این‌رو، از پذیرفتن دین دل‌سرد شد.^{۱۴})

مترجمان محترم، واژه **فلیم سل**^{۱۵} را «سرخ‌خدايان» ترجمه کرده‌اند، به معنی «فرمان‌روایان بزرگ»^{۱۶}. از این‌رو، به یقین می‌توان گفت که واژه **فلیم سل**^{۱۷} را، مترجمان محترم، به **+ sar-xwadāyān + sl-hwi^{۱۸} y^{۱۹} n'**^{۲۰} تصحیح کرده‌اند. موله، پیش‌تر، همین واژه **فلیم سل**^{۱۷} را با تصحیح **dērxvatāyān**^{۲۱} خوانده و «فرمان‌روایان مستقل»، «شاهان خودمختار» ترجمه کرده بود.^{۲۲} واژه موردنظر (**فلیم سل**^{۱۷}) را به همراه واژه پس از آن (**۱۱۵**) می‌توان چنین تصحیح کرد:

فلیم سل^{۱۷} **+ gl^{۲۳} n +^{۲۴} ūw'p^{۲۵} W**

+ garān + āšōb + ud

و جمله را چنین ترجمه کرد:

«... با این‌همه <گشتناسب> به سبب ترس از گران آشوب (= آشوب فراوان، فتنه بسیار، هرج و مرج) و خون‌ریزی ارجاسب خیونی، از این‌رو از پذیرفتن دین دل‌سرد شد.»

□

پرتابل جامع علوم انسانی

۱۴) آموزگار، زاله و تفضلی، احمد؛ اسطورة زندگی ذردشت، ص ۱۰۴.

۱۵) همان، ص ۱۰۴، پانوشت ش ۱.